

تولید ناخالص داخلی افغانستان بعد از سقوط طالبان

محمدعارف نجفی^۱

چکیده:

در میان شاخص‌های اقتصاد کلان، تولید ناخالص داخلی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا نه تنها به عنوان مهم‌ترین شاخص عملکرد اقتصادی در تجزیه و تحلیل‌ها و ارزیابی‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد، بلکه تحلیل بسیاری از متغیرهای کلان اقتصادی کشورها به آن وابسته است.

این شاخص تقریباً بهترین شاخص اندازه‌گیری عملکرد اقتصاد یک کشور را نشان داده و معمولاً هر سه ماه یکبار به وسیله اداره تحلیل‌های اقتصادی و با استفاده از منابع آماری بسیار زیاد محاسبه و منتشر می‌شود. و در این داده‌ها، ارزش تمام کالا و خدمات نهایی تولید شده در محدوده مرزهای جغرافیایی کشور را برای یکسال مالی، محاسبه می‌کنند.

در این مقاله درصدد هستیم که نگاه کوتاهی به آمار سازمان‌های بین‌المللی بر تولید ناخالص داخلی افغانستان بعد از سقوط رژیم طالبان بیاندازیم، نگارنده براین نتیجه رسیده است که رشد اقتصادی در افغانستان در این مدت همواره مثبت ارزیابی شده گرچه این رشد اقتصادی در طول این مدت فراز و نشیب‌های فراوان داشته اند اما همواره تولید ناخالص داخلی مثبت بوده و این خودش نشانگر رشد و شتاب اقتصاد کشور افغانستان است.

کلیدواژه: تولید ناخالص داخلی (GDP) افغانستان، درآمد سرانه، رشد اقتصادی.

^۱. دانش‌پژوه ارشد اقتصاد جامعه المصطفی (ص) العالمیه - najafi4u@gmail.com

مقدمه

دستیابی به نرخ رشد اقتصادی بالا یکی از اهداف مهم هر نظام اقتصادی به شمار می‌رود. این امر متضمن کارگیری سیاست‌های مناسب اقتصادی در بخش کلان اقتصادی، تولید ناخالص داخلی و هم چنین شناخت بیشتر عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی است. امروزه اقتصاددانان پذیرفته اند که تولید ناخالص داخلی یک شرط لازم برای رشد اقتصادی کشورهاست، در حالیکه نبود تولید ناخالص داخلی یکی از عوامل مهمی است که افق‌های رشد اقتصادی را محدود می‌سازد.

افغانستان از اواخر سال ۲۰۰۱م، با مداخله نظامی آمریکا و ناتو و سرنگونی حاکمیت رژیم طالبان و استقرار نظام جدید تا سال ۲۰۱۴م، فرصت استثنایی را از نظر منابع مالی و پولی و امکانات سیاسی و دیپلماسی در تاریخ توسعه اقتصادی و اجتماعی خویش بدست آورد. اما با توجه به مشکلات ساختاری کشور و زیربنایی دولت جدید، نتوانست از این فرصت بوجود آمده بصورت کارا و هدفمند استفاده کند. بعد از سقوط رژیم طالبان، افغانستان به سمت رشد و توسعه اقتصادی حرکت کردند، یکی از شاخص‌های توسعه اقتصادی که رشد اقتصادی یک کشور را رصد می‌کند، تولید ناخالص آن کشور می‌باشد. تولید ناخالص داخلی یا GDP (Gross Domestic product) دربرگیرنده ارزش مجموع کالاها و خدماتی است که طی یک دوره معین، معمولاً یک سال، در یک کشور تولید می‌شود. به عبارت دیگر تولید ناخالص داخلی (GDP) ارزش تولید کالاها و خدمات نهایی را در اقتصاد داخلی یک کشور اندازه‌گیری می‌کند. در حقیقت این تولید ناخالص داخلی شامل تمام چیزهایی است که توسط همه‌ی مردم و شرکت‌های واقع در یک کشور، تولید می‌شود. البته باید توجه داشت که میزان رفاه و برخوردارگی مردم یک کشور، صرفاً توسط تولید ناخالص داخلی تعیین نمی‌شود، بلکه شاخص بهتر، تولید ناخالص داخلی سرانه است که میزان تولید به وسیله هر نفر را به صورت سرانه نشان می‌دهد. در واقع رفاه مردم یک کشور متأثر از تولید ناخالص داخلی و میزان جمعیت آن کشور است که در تولید ناخالص داخلی سرانه منعکس می‌شود.

برای محاسبه‌ی تولید ناخالص داخلی از فرمول زیر استفاده می‌شود:

هزینه‌ی مصارف شخصی + سرمایه‌گذاری + مخارج دولت + (صادرات منهای واردات) در نتیجه به طور

مختصر فرمول محاسبه‌ی تولید ناخالص داخلی می‌شود: $C+I+G+(X-M)$

کشورهای در حال توسعه برای رسیدن در مسیر توسعه و رشد اقتصادی تا حدودی نیازمند تشکیل سرمایه هستند. تشکیل و تمرکز سرمایه از منابع داخلی می‌تواند موجب خودکفایی در تولید کالاها و مصرفی و سرمایه‌ای شده و تشکیل سرمایه عامل مهم و بنیادی در تحقق توسعه کشورها است.

بنابراین سرمایه‌گذاران دائماً نرخ رشد را رصد می‌کنند تا بتوانند تخصیص دارایی‌های خود را همگام با سرعت تغییرات اقتصادی جهان تنظیم نمایند. علاوه بر این، سرمایه‌گذاران نرخ رشد اقتصاد کشورها را به

صورت پیوسته مقایسه می‌کنند، تا ببینند بهترین فرصت‌های سرمایه‌گذاری در کدام کشورها فراهم است. در این راستا، بسیاری از آن‌ها دوست دارند سهام شرکت‌هایی را خریداری کنند که سرعت رشد بالایی دارند. حال این سوال مطرح است که، نرخ رشد به چه معنا است؟

نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، در حقیقت میزان افزایشی است که در خروجی‌های اقتصادی سه ماهه‌ی یک کشور رخ می‌دهد، بدین معنی که این نرخ دقیقاً مشخص می‌کند که اقتصاد یک کشور با چه شتابی در حال رشد و پیشرفت است. به بیان دیگر، نرخ رشد نشان می‌دهد که آیا اقتصاد سریع‌تر از سه ماهه‌ی گذشته در حال رشد است یا کندتر. اگر تولید کمتر از سه ماهه‌ی قبل باشد، اقتصاد منقبض شده است و نرخ رشد منفی است. اگر نرخ رشد برای مدت بیشتری منفی بماند، نشانه‌ی بحران اقتصادی است، بحران به رکود اقتصادی تبدیل می‌گردد. نرخ بیش از حد رشد نیز به اندازه‌ی بحران اقتصادی مطلوب نیست؛ چرا که نشان دهنده‌ی تورم شدید در اقتصاد است. نرخ رشد ایده‌آل معمولاً بین ۲ تا ۳ درصد بیان شده است.

بنابراین از گزارش‌های تولید ناخالص داخلی یک کشور، سرمایه‌گذاران و مردم و نهادهای بین‌المللی می‌توان به این نتیجه دست یافت که چه بخش‌هایی از اقتصاد در حال رشد و چه بخش‌هایی در حال نزول هستند. و این مسأله خودش به سرمایه‌گذاران و مردم آن کشور کمک می‌کند که تشخیص دهند سرمایه‌های خود را در کدام بخش‌های اقتصادی سرمایه‌گذاری کنند. در این مقاله درصدد هستیم تا تولید ناخالص داخلی افغانستان را بعد از سقوط رژیم طالبان مورد بررسی قرار دهیم، گرچه به خاطر نبود نهاد آماری در افغانستان به صورت دقیق نمی‌توان صحت و سقم این داده‌ها را قبول کرد، اما درعین حال این داده‌ها نزدیک به واقعیت‌های جامعه می‌باشد.

از آنجا که شاخص تولید ناخالص داخلی سرانه معیاری مناسب در سنجش کیفیت زندگی شهروندان یک کشور است. بر همین اساس تولید ناخالص داخلی افغانستان مورد توجه این تحقیق می‌باشد.

تولید ناخالص داخلی

تولید ناخالص داخلی مهم‌ترین و متداول‌ترین شاخص اندازه‌گیری فعالیت در سطح اقتصاد کلان است. این شاخص هر سه ماه یکبار به وسیله‌ی اداره‌ی تحلیل‌های اقتصادی و با استفاده از منابع آماری بسیار زیاد محاسبه و منتشر می‌شود. تولید ناخالص داخلی در واقع ارزش تمام کالا و خدمات نهایی تولید شده در محدوده مرزهای جغرافیایی کشور را برای یکسال مالی بیان می‌دارد.

شاخص GDP را می‌توان به دو روش محاسبه و تفسیر کرد. اولین روش محاسبه یا تفسیر GDP این است که تولید ناخالص داخلی مجموع درآمد کل همه افراد جامعه است. تفسیر دوم GDP این است که تولید ناخالص داخلی مجموع مخارجی است که برای تولید کالاها و خدمات اقتصادی هزینه شده است. (گریگوری منکیو، ۲۱، ۱۳۹۱)

در افغانستان گرچه ما آمار و اطلاعات دقیقی در مورد میزان درآمد ناخالص ملی نداریم، اما با توجه به

وضعیت فعلی تولیدات داخلی و تراز تجاری کشور روشن است که درآمد ناخالص ملی در پایین‌ترین سطح خود قرار دارد و تراز پرداخت‌های تجاری منفی است. بررسی میزان توسعه یافتگی کشور از منظر این شاخص نشان می‌دهد که نه تنها کشور در زمره کشورهای توسعه یافته به شمار نمی‌رود، بلکه از کشورهای در حال توسعه نیز محسوب نمی‌گردد.

بانک جهانی در گزارش خود عنوان کرده است که تولید ناخالص داخلی در افغانستان در سال ۲۰۰۸م (۱۳۸۷ش) به ۲,۳ درصد رشد داشته است که این رقم میان سال‌های ۲۰۰۷م (۱۳۸۶ش) تا ۲۰۰۸م معادل ۱۶,۲ درصد بود و مسلماً رقم رشد اقتصادی افغانستان در سال گذشته در پایین‌ترین سطح خود از سال ۲۰۰۲م (۱۳۸۱ش) قرار داشته است.^۲

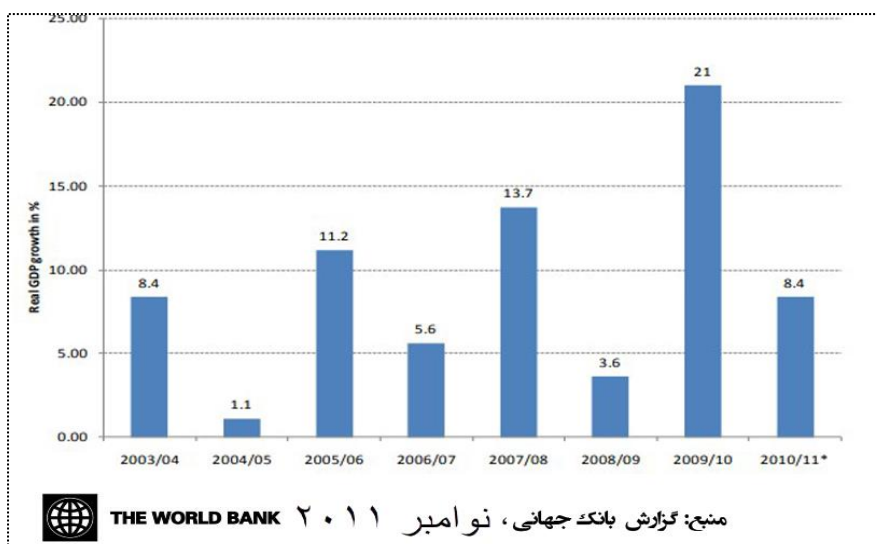
یهاشیرا یوچیرو - اقتصاددان ارشد بانک جهانی در افغانستان - در این خصوص گفت: پیام اصلی گزارش این است؛ با وجود آنکه اقتصاد جهانی در سال ۲۰۰۸م (۱۳۸۷ش) و ربع ۲۰۰۹م (۱۳۸۸ش) بحران شدیدی را تجربه کرد و اوضاع سیاسی در افغانستان با عدم اطمینان روبرو شد، اقتصاد کلان در این کشور توانسته است ثبات خود را حفظ کند. اما گزارش این را نیز روشن می‌سازد که رشد اقتصادی در سال گذشته در پایین‌ترین سطح خود در هفت سال گذشته قرار داشته است. در عین حال این نهاد بین‌المللی پیش‌بینی می‌کند که اقتصاد افغانستان در سال آینده به دلیل جهش بی‌سابقه در کشاورزی کشور، بیشتر از ۱۰٪ رشد را تجربه خواهد کرد.^۳

افغانستان در چند سال گذشته، در سطح اقتصاد ملی رشد چشم‌گیری داشته است. براساس گزارش صندوق بین‌المللی پول "Regional Economic Outlook" رشد تولید ناخالص داخلی افغانستان را در سال ۱۳۸۸ شمسی، ۲۱٪ و در سال ۱۳۸۹ ۸,۲٪ و در سال ۱۳۹۰ ۸٪ پیش‌بینی گردیده بود. خوشبختانه بانک مرکزی افغانستان نرخ تورم پولی را طی چند سال گذشته نزدیک به نرخ تورم در سطح منطقه نگه داشته است. از طرف دیگر دیده می‌شود که در طی سال‌های گذشته عواید سرانه افزایش یافته است. (گزارش سالانه استراتژی انکشاف ملی افغانستان، ۲۰۱۳:۱۳۸۹)

در گزارش بانک جهانی متوسط عاید ناخالص داخلی در سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۳ حدود ۹,۱ درصد گزارش شده. سرمایه‌گذاری خصوصی (۸,۵٪ درآمد ناخالص داخلی) و صادرات (۲,۵٪ درآمد ناخالص داخلی) خیلی اندک بوده و یگانه محرک رشد درآمد ناخالص داخلی بازار مصرفی بوده است.

^۲ . <http://www.payam-af-tab.com/fa/doc/news/9117>

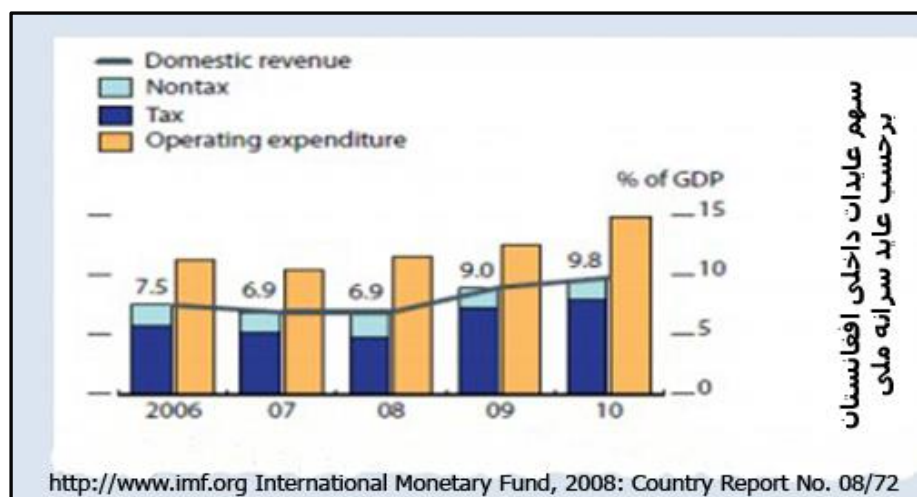
^۳ <http://www.payam-af-tab.com/fa/doc/news/9117>



تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۸۸ به ۶۳۲۷۱۵ میلیون افغانی و در سال ۱۳۸۹ تولید ناخالص داخلی به ۷۴۶۸۵۹ میلیون افغانی می‌رسید. در این مدت، رشد تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۸۸، به ۱۷٫۲٪ بوده و در سال ۱۳۸۹ به ۳٫۲٪ و در سال ۱۳۹۰ به ۹٫۵٪ رسیده بود.

رشد تولید ناخالص داخلی طی این سه سال با افزایش قیمت‌ها نیز همراه بوده است. در سال ۱۳۹۰ میزان تورم ۸٫۴ درصد بوده درحالی‌که در سال ۱۳۸۹ به اندازه ۱۳٫۷٪ افزایش داشت.

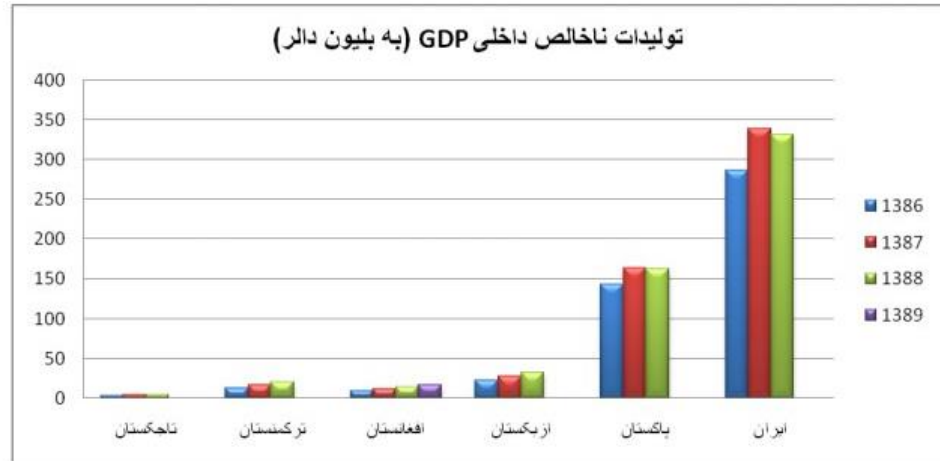
بدین ترتیب، عاید سرانه ملی افغانستان طی سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ میلادی در حدود ۱۵٪ (نسبت به سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۰۶) افزایش یافته بود.^۴ اما با آن هم هیچ شکی وجود ندارد که افغانستان به کمک‌های بلند مدت جامعه جهانی نیاز دارد.



⁴<http://www.gtai.de/DE/Content/SharedDocs/Links-Einzeldokumente-Daten/banken/fachdokument.html?fIdent=MKT201102048006>

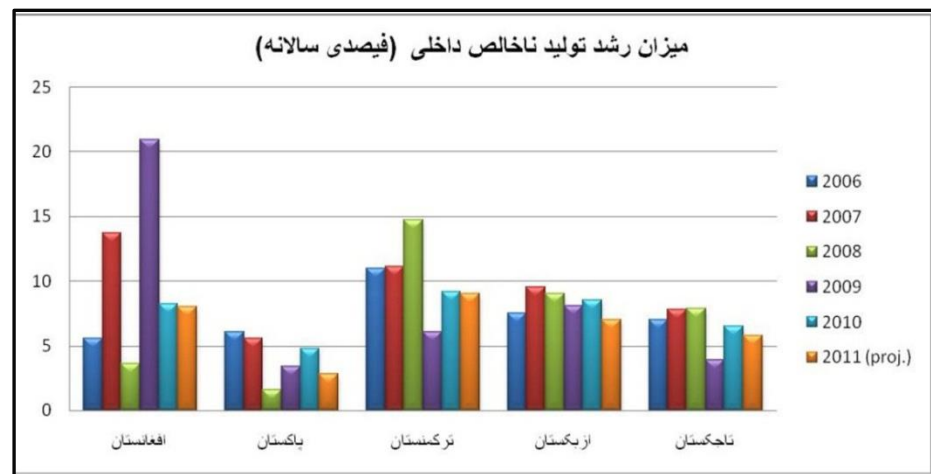
رشد تولید ناخالص داخلی ۱۳۸۹-۱۳۹۴ (۲۰۱۱-۲۰۱۵ میلادی)

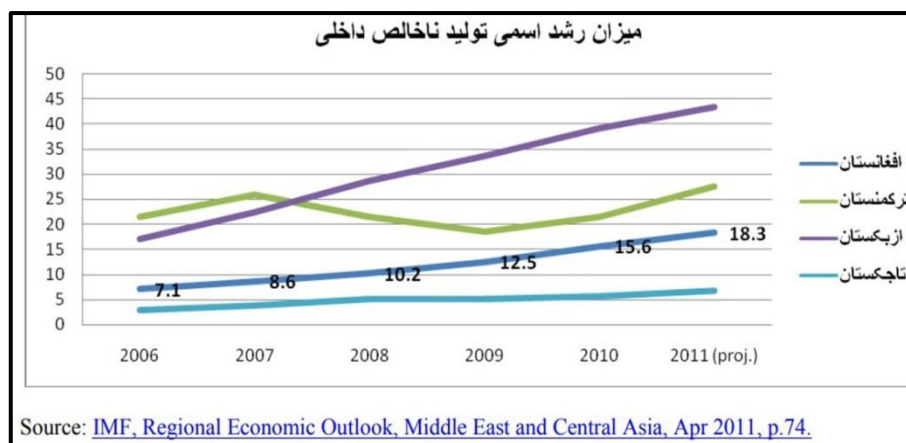
میزان رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) در این دوره نسبت به همسایه‌های کشور افغانستان، یک رشد نسبتاً قابل توجه را دارد. گرچه ایران با داشتن بزرگترین تولید ناخالص داخلی در صدر کشورهای همسایه افغانستان قرار دارد و بعد از آن پاکستان قرار گرفته است، اگر با دقت به جدول ذیل نگاه شود در تمام این کشورها در طی چندین سال گذشته هیچ تفاوت چشم‌گیری دیده نمی‌شود، با وجود اینکه هریک دارای سطح رشد متفاوت (GDP) می‌باشد.



Source: data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.CD/countries

درعین حال اگر میزان رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی و اسمی افغانستان را از چند سال گذشته تا کنون ملاحظه نموده و با کشورهای همسایه مقایسه نمایم مشاهده خواهیم کرد (شکل پایین) که میزان رشد تولید ناخالص حقیقی افغانستان در منطقه بسیار مثبت می‌باشد. درحالی‌که رشد اسمی تولید ناخالص داخلی مطابق شکل بعدی خوب ارزیابی می‌شود که از ۷,۱ بلیون دلار در سال ۲۰۰۶ میلادی به ۱۵,۶ در سال ۲۰۱۰ میلادی، افزایش داشته است.

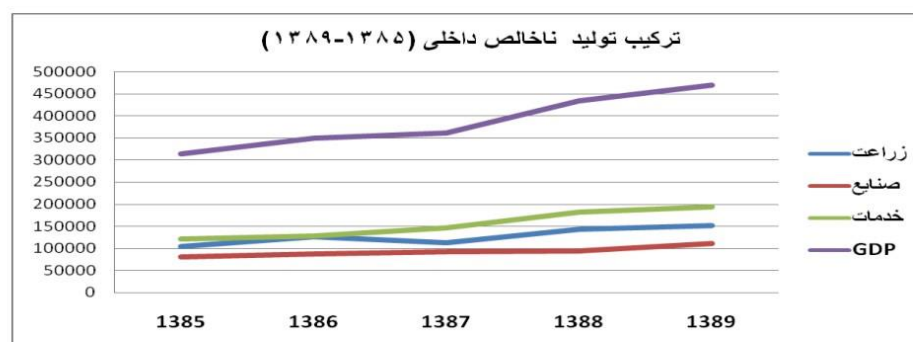




میزان رشد سالانه GDP از سال ۱۳۸۵-۱۳۸۹ش، به طور متوسط ۱۰,۶٪ بوده است. بخش خدمات در اثر سرمایه گذاری و کمک‌های خارجی، بیشتر رشد کوتاه مدت و موقت را به خود اختصاص داده است که ۱۲,۶٪ رشد سالانه را طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۸۹ نشان می‌دهد که در نتیجه سهم آن در GDP از ۳۸٪ به ۴۱٪ افزایش نموده است.

در بخش خدمات نقش مخابرات فوق العاده ارزنده بوده است، رشد بخش صنایع از سال ۱۳۸۵-۱۳۸۹ متوسط بوده که میانگین رشد سالانه آن ۸,۶٪ بوده که کمترین سهم را نسبت به بخش خدمات و کشاورزی در GDP تقریباً ۹,۶٪ در سال بوده و نشان دهنده آن است که سهم بخش کشاورزی و صنایع در GDP کمتر از بخش خدمات می‌باشد. (سهم بخش صنایع در GDP از ۲۵,۵٪ در سال ۱۳۸۵ به ۲۳,۷٪ در سال ۱۳۸۹ پایین آمده و سهم بخش کشاورزی از ۳۳٪ در سال ۱۳۸۵ به ۳۲٪ در سال ۱۳۸۹ کاهش یافته است.)

شکل 4: ترکیب تولید ناخالص داخلی از سال 1385 - 1389 (میلیون افغانی، سال اساس 1381)



Source: <http://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.KD.ZG>

عاید سرانه

دومین معیار اندازه گیری توسعه و رشد اقتصادی محاسبه درآمد واقعی سرانه است. درآمد ملی سرانه (NI) عبارت است از ارزش نهایی کلیه کالاها و خدمات تولید شده در یک کشور طی یک سال مالی که سنجش آن از طریق درآمد عوامل تولید و یا پرداختهای است که به عوامل مختلف درگیر در فرایند تولید (زمین، کارگر، سرمایه و مدیریت) انجام می‌شود. (محمود متوسلی، توسعه اقتصادی، ۱۶:۱۳۸۴)

درآمد سرانه ملی درحقیقت به معنی میزان سهم هر شهروند از تولید ناخالص داخلی کشور است. برای به دست آوردن سرانه ملی کشورها، میزان تولید ناخالص داخلی بر جمعیت کشور تقسیم می شود. معنای ساده تر درآمد سرانه این است که به ازای هر نفر در یک کشور چه میزان درآمد وجود دارد. اگر درآمد ملی جامعه به جمعیت آن تقسیم شود، درآمد سرانه یا درآمد متوسط سالانه برحسب جمعیت به دست می آید. (فریدون تفضلی، ۱۳۸۶: ۶۰)

$$\text{درآمد سرانه} = \frac{\text{درآمد ملی}}{\text{جمعیت کشور}}$$

در همین حال، باید توجه داشت که درآمد سرانه گرچه می تواند نشانگر میزان ثروت یک کشور نسبت به دیگر کشورها باشد اما نمی تواند تصویر دقیقی از وضعیت اقتصادی کشور نسبت به سایرین ارائه دهد. به عنوان مثال اگر درآمد سرانه افغانستان برابر با ۱۰۰۰ دلار باشد و درآمد سرانه پاکستان ۲۰۰ دلار باشد، نمی توان بر این اساس تعیین کرد که کدام یک از کشورها وضعیت اقتصادی بهتری دارند چرا که هزینه های جاری در دو کشور بسیار متفاوت است. درآمد سرانه را می توان از دو نظر بررسی کرد:

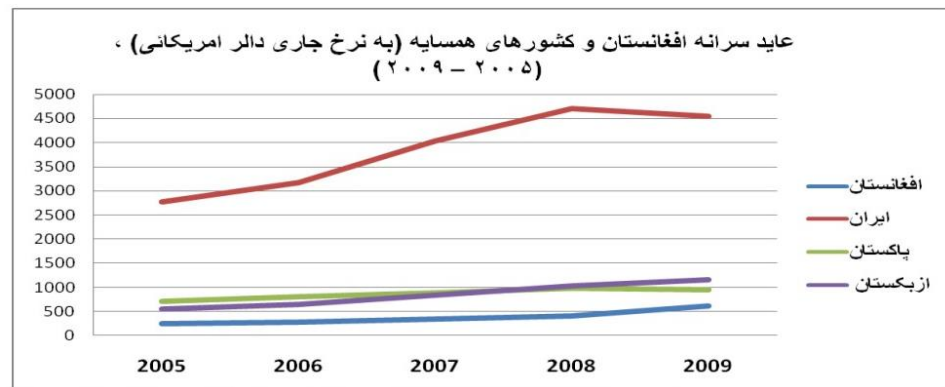
اولاً، همانطوری که گفته شد، درآمد سرانه متوسط درآمد ملی برحسب جمعیت است. بدین ترتیب، درآمد سرانه می تواند معیار مناسبی برای مشخص کردن وضع اقتصادی مردم در اجتماع باشد و تا حدودی قدرت خرید، پس انداز و سرمایه گذاری را نشان می دهد. اما باید توجه داشت که درآمد سرانه اختلاف درآمد بین طبقات مختلف جامعه را نشان نمی دهد و فقط معرف درآمد متوسط است. «این کمیتها به هیچ وجه نشان دهنده نحوه توزیع تولید و درآمد در بین افراد جامعه و در نتیجه میزان رفاه افراد جامعه نیست. بلکه توان اقتصادی یک کشور را در کل نشان می دهد.» (محمد طیبیان، اقتصاد کلان، ۱۳۸۴: ۸۹)

با این حال در جوامع در حال توسعه تعداد زیادی از مردم درآمدی پایین تر از درآمد سرانه دارند و تعداد محدودی از آنها از درآمدهایی بالاتر از درآمد سرانه برخوردارند. از این رو، هرگاه درآمد سرانه در دو کشور مساوی باشد، کشوری که در آن اختلاف درآمد کمتر باشد جامعه ای سالم تر و پیشرفته تر است. درآمد های غیرعادی در کشور نتیجه ثروتمند شدن سریع تعدادی از افراد در مدتی کوتاه است که حاکی از بی نظمی اقتصادی و عدم تعادل اجتماعی است. این وضعیت نشان می دهد که یا دولت در جهت تعدیل ثروتها و تأمین رفاه و آسایش عموم موفق نبوده یا کوششی به عمل نیاورده است.

ثانیاً، درآمد سرانه به نوعی همان تولید سرانه است و بدین صورت قدرت بالفعل تولیدی سالانه اقتصادی را برای هر یک از افراد کشور نشان می دهد. هرگاه تولید سرانه به طور طبیعی و واقعی رشد یابد و رشد آن حالت فزاینده به خود گیرد، رشد اقتصادی حاصل می شود. رشد اقتصادی پدیده ای کمی است و نتیجه آن ازدیاد میزان تولیدات واقعی در شرایط ثابت بودن جمعیت است و رشد تولید سرانه معیار اندازه

گیری آن به شمار می‌رود.

در اینجا نباید از این نکته غافل ماند که، درآمد سرانه می‌تواند معیار خوبی برای مقایسه اوضاع و احوال اقتصادی کشورهای مختلف با یکدیگر باشد، اما به طور مطلق نمی‌تواند حاکی از توسعه یافتگی و پیشرفت اقتصادی یک جامعه محسوب شود بلکه عوامل دیگری مانند، سطح زندگی، نحوه توزیع درآمد، تمایلات و عادات مصرفی، نرخ پس انداز و سرمایه گذاری را نیز در نظر گرفت. پس توزیع عادلانه درآمد جهت رسیدن به اهداف اساسی توسعه و رشد اقتصادی حائز اهمیت است و از این نظر در کلیه کشورها، افزایش درآمد ملی و توزیع عادلانه آن از اهمیت بسیاری برخوردار است. شکل ذیل به خوبی عاید سرانه افغانستان و کشورهای همسایه شان را از سال ۲۰۰۵-۲۰۰۹ میلادی، نشان می‌دهد.



Source: <http://data.worldbank.org/indicator/DY.ODA.ODAT.GN.ZS/countries>

در این شکل نشان می‌دهد که تولید ناخالص داخلی سرانه (GDP Per capita) در چند سال گذشته رشد میانه داشته اما این رشد از نقطه خیلی پایین آغاز گردیده است، همانگونه که در شکل دیده می‌شود، افغانستان یکی از کشورهای فقیر در منطقه بوده که تولید ناخالص سرانه آن نسبت به ایران فقط ۹٪ آن را تشکیل می‌دهد.

از سال ۲۰۱۴-۲۰۰۱م، اقتصاد افغانستان بیش از ۱۰٪ در سال رشد نموده است. البته این رشد اقتصادی به دلیل متکی بودن بر بخش زراعت، و نبود آب و هوای مناسب (بیش از ۲۰٪ تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد) در حال تغییر بوده است.

بیشترین رشد اقتصادی را در طی سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۰۹ میلادی داشت که به ترتیب ۲۱٪ و ۱۴٫۴٪ رشد را برجا گذاشته اند. و کمترین رشد اقتصادی را نیز در تولید ناخالص داخلی کشور در سال ۱۳۹۰ش، (۲۰۱۱م) به ۹۰۳۹۹۰ میلیون افغانی و تولید ناخالص سرانه به ۷۱۵ دلار آمریکایی می‌رسید. نفوس از ۲۱٫۸ میلیون در سال ۱۳۸۱ به ۶٫۵ میلیون در سال ۱۳۹۰ افزایش نموده در حالیکه تولید ناخالص داخلی سرانه طی این دوره رشد سریع‌تری داشته است.

بنابراین متوسط میزان رشد تولید ناخالص داخلی سرانه از ۲۰۱ دلار آمریکایی از آغاز حکومت انتقالی به ۷۱۵ دلار در سال ۱۳۹۰ رسیده است. (گزارش سالانه آمار افغانستان در ۱۳۹۰)

جدول تولید ناخالص داخلی ۱۳۸۸-۱۳۹۰

Sector	Million Afs			سکتور
	1390 est* 2011 -12	1389 2010 -11	1388 2009 -10	
GDP at market price	903991	746859	632716	تولید ناخالص داخلی به قیمت مارکیت
Afs/US\$	47.7	45.7	49.2	نرخ تبا دلار افغانی در مقابل دلار
GDP in Mn US\$	18952	16343	12871	تولید ناخالص داخلی به میلیون دلار
Population Mn person	26.5	26	25.5	نفوس به میلیون نفر
GDP per capita in US\$	715	629	505	تولید سرانه ناخالص داخلی به دلار
GDP Growth rate (%)	9.5	3.2	17.2	فیصدی رشد تولید ناخالص داخلی
GDP price deflator (1381=100)	213	193	168.8	از تورم کشیدن قیمت، تولید ناخالص داخلی (۱۰۰=۱۳۸۱)
Domestic absorption	1142203	1001738	801812	قابلیت جذب داخلی
Gross domestic savings (Mn Afs)	-54875	-66372	-62432	پس انداز ناخالص داخلی (میلیون افغانی)
Gross domestic savings as % of GDP	-6.1	-8.9	-9.9	فیصدی پس انداز ناخالص داخلی در تولید ناخالص داخلی
Gross fixed investment as % of GDP	14.3	17.5	17.4	فیصدی سرمایه گذاری ثابت ناخالص داخلی در تولید ناخالص داخلی
Private consumption as % of GDP	91	97	99	فیصدی مصرف خصوصی در تولید ناخالص داخلی
Resource balance as % of GDP	-26	-34	-27	فیصدی بیلتانس منابع در تولید ناخالص داخلی
GDP at Market Price	903990	746855	632715	تولید ناخالص داخلی به قیمت مارکیت

Afghanistan Statistical Yearbook 2011-12

منبع: سالنامه احصای افغانستان ۱۳۹۰

در این گزارش رشد ناخالص داخلی از سال ۱۳۸۸-۱۳۹۰ به ترتیب ۳۰۲ و ۱۷،۲ و در سال پایانی ۹،۵٪ آمده است و حاکی از رشد تولید ناخالص داخلی را دارد. و میزان تورم در سال ۱۳۹۰ به ۸،۴٪ بوده و در سال ۱۳۸۹ به اندازه ۱۳،۷٪ افزایش داشت.

در سال ۱۳۹۱ تولید ناخالص داخلی کشور بالغ بر ۱۰۸۵۷۶۶ میلیون افغانی گردیده که همراه با آن تولید ناخالص داخلی سرانه بالغ بر ۷۷۹ دلار می‌گردد. جمعیت کشور از ۲۱،۸ میلیون در سال ۱۳۸۱ به ۲۷ میلیون نفر در سال ۱۳۹۱ افزایش یافته در حالیکه تولید ناخالص داخلی سرانه در این دوره رشد سریعتی داشته است.

رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی سال های ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱ به ترتیب عبارتند از ۳،۲٪ و ۸،۷٪ و ۱۰،۹٪ می‌باشد این رشد طی سال های فوق با افزایش نسبی قیمت‌ها نیز همراه بوده است. (گزارش سالانه آمار افغانستان در سال ۱۳۹۱)

بنابراین تولید ناخالص داخلی سرانه از ۲۰۷ دلار از آغاز دوره حکومت انتقالی افغانستان به ۷۷۹ دلار در سال ۱۳۹۱ رسیده است.

لکن در گزارش مؤسسه IMF، بانک جهانی، و بانک انکشاف آسیا (ADB) آمده اند که رشد محصول ناخالص داخلی (GDP) افغانستان به میزان قابل توجهی از حدود ۱۱،۸٪ در سال ۲۰۱۲ نزدیک به ۴٪ در سال ۲۰۱۳ کاهش یافته است، دلیل این کاهش را به خاطر افزایش بی اعتمادی سرمایه گزاران به وضعیت اقتصاد جامعه و رکود تولید کشاورزی نسبت می‌دهند.^۵

با در نظر گرفتن کاهش کمک‌ها و مخارج بین المللی بعد از سال ۲۰۱۴ پیش بینی‌های بانک جهانی نشان

^۵ بانک جهانی، "بروزرسانی اقتصادی افغانستان"، ۲۰۱۳-۲۰۱۴، صفحه ۱۷، بانک انکشاف آسیایی، "وضعیت ۲۰۱۳، ۲۰۱۳-۲۰۱۴، بروزرسانی"، ۲۰۱۳-۲۰۱۴، صفحه

۱۰۸-۱۰۷، بانک جهانی، "همکاری افغانستان: وضعیت پروگرام کشوری"، ۲۰۱۳، صندوق بین المللی پول، "وضعیت اقتصاد جهانی"، ۲۰۱۳-۲۰۱۴.

می دهد که رشد تولید ناخالص داخلی واقعی طی سال های بعد کاهش پیدا کند و مآشاهد رشد آهسته تری در اقتصاد افغانستان باشیم. گرچه با دریافت مخارج نظامی و مساعدت های بین المللی در سال های ۲۰۱۲-۲۰۰۲ به طور متوسط سالانه حدود ۹,۴٪ رشد داشته است که در این میان بخش خدماتی بیشترین رشد را تجربه کرده است. (بانک جهانی، بروزرسانی اقتصادی افغانستان، ۲۰۱۳-۲۰۱۴: ۱۷-۴)

تولید ناخالص داخلی ۱۳۹۱-۱۳۸۹

Figurs in Million Afs

Sector	1391 est*	1390	1389	سکتور
	2012-13	2011-12	2010-11	
Expenditure on GDP	1085766	896163	746859	مصرف تولید ناخالص داخلی
Afs/US\$	51.6	47.7	45.7	نرخ تیا دله افغانی در مقابل دالر
GDP in Mn US\$	21040	18787	16343	تولید ناخالص داخلی به میلیون دالر
Population Mn person	27.0	26.5	26.0	نفوس به میلیون نفر
GDP per capita in US\$	779	709	629	تولید ناخالص داخلی سرانه به دالر
GDP Growth rate (%)	10.9	8.7	3.2	فیصدی رشد تولید ناخالص داخلی
GDP price deflator (1381=100)	233	213	193	تعدیل قیمت های تولید ناخالص داخلی
Domestic absorption	1442552	1222308	1001738	قابلیت جذب داخلی
Gross domestic savings	41395	-32902	-84984	پس انداز ناخالص داخلی
Gross domestic savings as % of GDP	4.0	-4.0	-11.4	فیصدی پس انداز ناخالص داخلی در GDP
Gross fixed investment as % of GDP	16.4	15.8	17.5	فیصدی سرمایه گذاری ثابت ناخالص داخلی در GDP
Private consumption as % of GDP	84.0	91.0	97.0	فیصدی مصارف خصوصی در تولید ناخالص داخلی
Resource balance as % of GDP	-32.9	-36.4	-34.1	فیصدی بیلانس منابع در تولید ناخالص داخلی
Total	1044746	863686	719559	مجموع
Taxes on imports	41020	32477	27300	مالیات بر واردات
GDP at Market Price	1085766	896163	746859	تولید ناخالص داخلی به قیمت مارکیت

Afghanistan Statistical Yearbook 2012-13

منبع: سالنامه احصائیوی / احصائیوی کلتی ۱۳۹۱

در سال ۱۳۹۲ تولید ناخالص داخلی کشور افغانستان بالغ بر ۱۱۹۷۱۶۸ میلیون افغانی گردیده که همراه با آن تولید ناخالص داخلی سرانه بالغ به ۴۳۵۳۳ افغانی می گردد که نسبت به سال قبل ۳۳۰۳ افغانی افزایش را نشان می دهد. در این مدت تولید ناخالص داخلی سرانه، ۷۷۲ دالر بوده که نسبت به سال قبل در حدود ۸ دالر کاهش را نشان می دهد. این کاهش عمدتاً ناشی از افزایش نرخ مبادله (نرخ دلار به افغانی افغانی) و کندی رشد بخشی خدماتی ذکر کرده است

رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی سال ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲ به ترتیب عبارتند از ۸,۷٪ و ۱۰,۹٪ و ۶,۴٪. اعلان شده است. (گزارش سالانه آمار افغانستان در سال ۱۳۹۲)

تولید ناخالص داخلی ۱۳۹۰-۱۳۹۲

Figures in Million Afs

Sector	1392*	1391	1390	سکتور
	2013-14	2012-13	2011-12	
GDP at market price	1197168	1086198	896163	تولید ناخالص داخلی به قیمت مارکیت
Afs/US\$	56.4	51.6	47.7	نرخ تیا دله افغانی درمقا بل دالر
GDP in Mn US\$	21226	21050	18787	تولید ناخالص داخلی به میلیون دالر
Population Mn person	27.5	27.0	26.5	نفوس به میلیون نفر
GDP per capita in 000 Afs	43.5	40.2	33.8	تولید ناخالص داخلی سرانه به هزار افغانی
GDP per capita in US\$**	772	780	709	تولید ناخالص داخلی سرانه به دالر**
GDP Growth rate (%)	6.4	10.9	8.7	فیصدی رشد تولید ناخالص داخلی
Total	1149878	1044804	863686	مجموع
Taxes on imports	47290	41395	32477	مالیات بر واردات
GDP at Market Price	1197168	1086198	896163	تولید ناخالص داخلی به قیمت مارکیت

* Some figures are estimated

Afghanistan Statistical Yearbook 2013-14

منبع: سالنامه احصائیوی / احصائیوی کالنی ۱۳۹۲

بنابراین طبق این گزارش، تولید ناخالص داخلی طی سالهای ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ به این ترتیب اند: ۸۹۶۱۶۳ و ۱۰۸۶۱۹۸ و ۱۱۹۷۱۶۸ می‌رسد.

طبق گزارش سازمان ملل متحد جمعیت افغانستان در سال ۲۰۱۳م (۱۳۹۲ش) در حدود ۳۱۵۶۴۳۴۲ تخمین زده شده است، که با مرکز آمار افغانستان تفاوت دارند، درعین حال سازمان ملل پیشبینی نموده است که جمعیت افغانستان در سال ۲۰۱۴م، با تغییرات جزئی حدود ۳۲ میلیون نفر برسد.

براساس مرکز آمار افغانستان تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۳ بالغ بر ۱۲۰۹۱۷۸ میلیون افغانی گردیده که همراه با آن تولید ناخالص داخلی سرانه بالغ بر ۴۳۰۳۱ افغانی می‌گردد. اما تولید ناخالص داخلی سرانه به ۷۴۷ دلار بوده که نسبت به سال قبل در حدود ۲۵ دلار کاهش نشان می‌دهد این کاهش عمدتاً ناشی از افزایش نرخ مبادله (دلار به افغانی) کاهش سطح قیمت‌ها و کندی رشد بخش خدمات ذکر کرده است.

رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ به ترتیب عبارتند از: ۹،۱٪ و ۵،۶٪ و ۱،۲٪ را نشان می‌دهد. (گزارش سالانه آمار افغانستان در سال ۱۳۹۳)

تولید ناخالص داخلی ۱۳۹۱-۱۳۹۳

Figures in Million Afs

ارقام میلیون افغانی

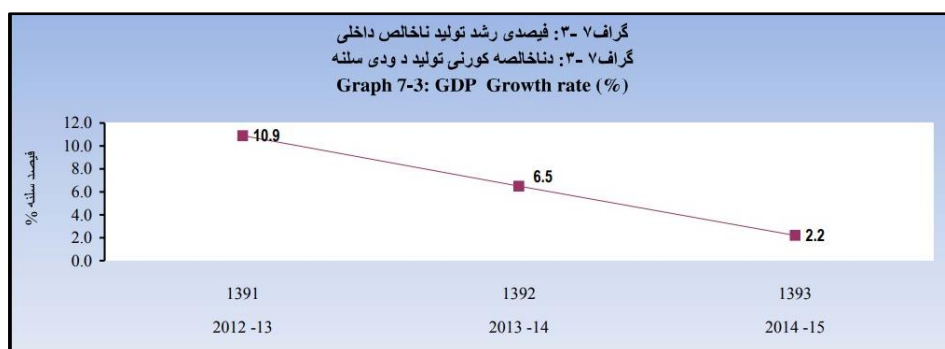
Sector	1393*	1392	1391	سکتور
	2014-15	2013-14	2012-13	
GDP at market price	1209970	1196728	1086198	تولید ناخالص داخلی به قیمت مارکیت / کورنی ناخالص تولید د
Afs/US\$	57.6	56.4	51.6	نرخ تیا دله افغانی درمقا بل دالر / د دالر په وړاندی د افغانیو د راگری و راگری به
GDP in Mn US\$	21017	21219	21050	تولید ناخالص داخلی به میلیون دالر / کورنی ناخالص تولید (میلیون دالر)
Population Mn person	28.1	27.5	27.0	نفوس به میلیون نفر / نفوس په میلیون نفر
GDP per capita in 000 Afs	43.1	43.5	40.2	تولید ناخالص داخلی سرانه به هزار افغانی / ناخالص کورنی سرانه تولید (زر افغانی)
GDP per capita in US\$**	748	772	780	تولید ناخالص داخلی سرانه به دالر** / ناخالص کورنی سرانه تولید (دالر)
GDP Growth rate (%)	2.2	6.5	10.9	فیصدی رشد تولید ناخالص داخلی / د ناخالص کورنی تولید دودې سلنه
Total	1168060	1149438	1044804	مجموع / ټول
Taxes on imports	41911	47290	41395	مالیات بر واردات / په وارداتو با ندی مالیه
GDP at Market Price	1209970	1196728	1086198	تولید ناخالص داخلی به قیمت مارکیت / کورنی ناخالص تولید دمارکیت په به

*Some figures are estimated

**وچې میوی چی پخوا په نور کتگوری کی شامل وه د بونی شخاص په صفت ویکل شو. * ځینی ارقام اټکل دی. * بعضی از ارقام برآورد است. **میوه جات خشک که قبلاً شامل کتگوری سایر بود بحيث شاخص جدید میوه جات خشک تحریر گردیده.

Afghanistan Statistical Yearbook 2014-15

منبع: سالنامه احصائیوی / احصائیوی کالنی ۱۳۹۳



تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۴

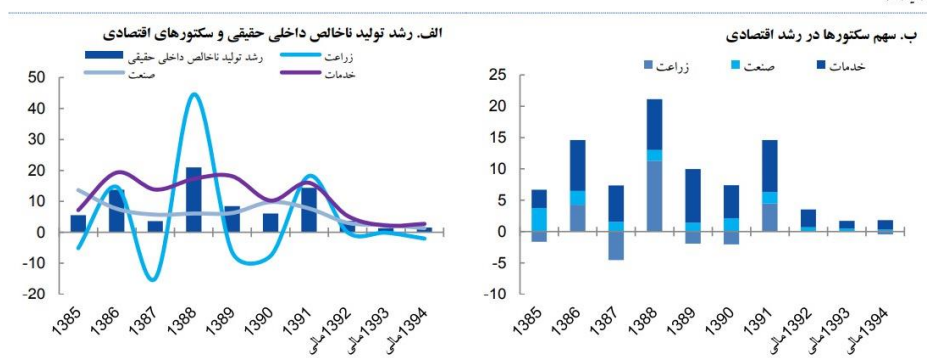
کاهش نیروهای امنیتی بین المللی از سال ۲۰۱۴ میلادی به بعد و تداوم فضای نامعلومی سیاسی باعث کاهش قابل توجه رشد اقتصادی و افزایش فشارهای مالی شده است، درحالیکه کشور با تهدیدات امنیتی روز افزون مواجه بوده است، درعین حال، افغانستان توانست چالش‌های فوری ناشی از روند انتقال را با موفقیت مدیریت کند؛ ثبات اقتصادکلان را حفظ نموده و شرایط را برای بهبود نرم رشد اقتصادی طی سال‌های آینده ایجاد کند. با این حال خطرات باقی مانده جدی هستند، و بایست دولت منابع جدید رشد اقتصادی را در دراز مدت به‌خاطر جبران کاهش کمک‌های مالی بلاعوض سراغ یابد.

رشد اقتصادی در سال ۲۰۱۵ (سال مالی ۱۳۹۴) پس از خروج نیروهای بین المللی، به رقم تخمینی ۱٫۵ درصد رسید که افزایش اندک را نسبت به رشد ۱٫۳ درصد در سال ۲۰۱۴ نشان می‌دهد. این رشد توسط بخش صنایع ۱٫۴ درصد و بخش خدمات ۲٫۸٪ و دربخش کشاورزی ۲-٪ (به خاطر شرایط نامساعد بودن) را نشان می‌دهد. پس از چندین سال کاهش، به نظرمی‌رسد که سطح سرمایه گذاری بهبود یافته باشد، چنانکه تعداد مجوز شرکت‌های جدید در سال ۲۰۱۵ کمی افزایش یافت. ولی هنوز هم نسبت به سطوح سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۲ پایین تر است، زیرا چالش‌های امنیتی هم‌چنان سر راه سرمایه گذاری می‌باشد.

تورم پولی به ۱٫۵-٪ درصد کاهش یافت، در حالیکه این رقم در سال ۲۰۱۴ به میزان ۴٫۵٪ بود. دلیل کاهش قیمت‌ها کند شدن تقاضای داخلی و پایین بودن قیمت جهانی کالاها ذکر شده است. با این حال، این ارقام هنوز هم به طور چشمگیری از رشد متوسط ۶٫۸٪ که در پنج سال گذشته به ثبت رسیده کمتر بوده و تقاضای داخلی هم‌چنان ضعیف است، و به میزان حدود ۱٫۸٪ در سال ۲۰۱۵ رشد داشته است، درحالیکه میانگین رشد سالانه آن در پنج سال گذشته ۷٪ بوده است. (بانک جهانی، گزارش اقتصادی افغانستان آپریل ۲۰۱۶).^۶

^۶ <http://www.worldbank.org/fa>

شکل ۳: رشد اقتصادی، با آنکه اندک بود، توسط صنعت و خدمات فراهم ساخته شد (نفسد).



منبع: اداره مرکزی احصائیه (CSO) و پیش‌بینی‌های کارکنان بانک جهانی

بر اساس آمار افغانستان، این رشد نیز توسط بخش صنایع ۱,۴٪ و بخش خدمات ۲,۸٪ ذکر شده، که رشد در این بخش‌ها قابل توجه است؛ ولی درعین حال این مقدار رشد کمتر از میانگین رشد بین سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۹۱ می‌باشد. بنابراین گزارش، میزان رشد برای صنعت ۷,۱ درصد و برای خدمات ۱۵,۱٪ در سال-های ۱۳۸۷-۱۳۹۱ ذکر کرده اند. در سال ۲۰۱۵ میلادی تولیدات کشاورزی به میزان تخمینی ۲٪ کاهش نشان می‌دهد، برآوردهای اولیه توسط وزارت کشاورزی، آبیاری و مالداري نشان می‌دهد که حجم تولید غلات و حبوبات حدود ۱۴٪ کاهش داشته است. (سالنامه احصائیه: ۱۳۹۴).^۷

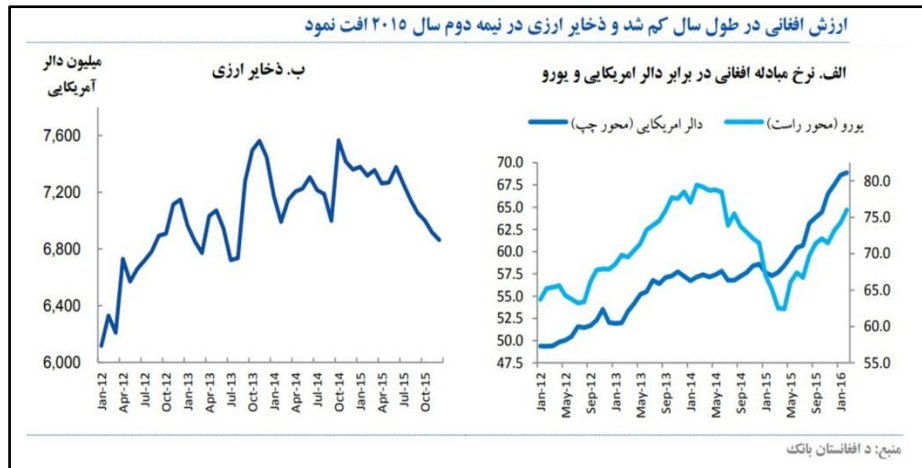
مساحت زمین زیرکشت گندم دیمی در حدود یک سوم کاهش نموده است که عمدتاً به دلیل سطوح پایین‌تر میزان بارندگی در سراسر کشور بوده است. در سال ۱۳۹۴ش، ارزش تولید ناخالص داخلی بامحاسبه کوکنار بالغ بر ۱۲۳۹۳۸۲ میلیون افغانی (۱۹,۴ میلیارد دلار) گردیده و تولید ناخالص داخلی سرانه به ۴۳۳۳۵ افغانی که معادل ۶۷۷ دلار می‌شود، رسیده است. در این سال ارزش تولید ناخالص داخلی بدون کوکنار (خشخاش) ۱۲۱۲۷۱۱ میلیون افغانی (۱۸,۹ میلیارد دلار) بوده و تولید ناخالص داخلی سرانه بالغ به ۴۱۸۱۸ افغانی که معادل ۶۶۳ دلار میشود، بالغ گردیده است.

دلیل عمده کاهش ارزش افزوده به دلار در سال ۱۳۹۴، افزایش نرخ دلار در مقابل افغانی از ۵۷,۶ در سال ۱۳۹۳ به ۶۴,۰ افغانی در سال ۱۳۹۴ بوده است. بانک جهانی گزارش می‌دهد که:

ارزش افغانی به میزان ۷٪ در برابر دلار در سال ۲۰۱۵ کاهش را نشان می‌دهد، دلیل عمده آن کاهش جریان ورودی ارز خارجی ناشی از کاهش کمک‌های مالی، افزایش تمایل خانواده‌ها و سپرده‌گذاران برای نگهداری پس اندازهای شان به دلار و خروج سرمایه از کشور در پی مهاجرت‌ها و نا امنی کشور عنوان شده است. (بانک جهانی، گزارش اقتصادی افغانستان آپریل ۲۰۱۶).^۸

^۷. Afghanistan Statistical Yearbook 2015-2016

^۸ <http://www.worldbank.org/fa>



رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی به شمول کوکنار در سال ۱۳۹۴ به ۲,۴-٪ بوده که دلیل عمده آن کاهش ۴۸٪ در تولید کوکنار در سال فوق بوده است. در حالیکه تولید ناخالص داخلی حقیقی بدون کوکنار به اندازه ۰,۹٪ افزایش را نشان میدهد. بنابراین رشد تولید ناخالص داخلی به شمول کوکنار (خشخاش) در سال ۱۳۹۲ عبارتند از ۶,۵ و در سال ۱۳۹۳ عبارت بود از ۲,۲ و بالاخره این که در سال ۱۳۹۴ رشد ۰,۸٪ را تجربه کرده است.

با توجه به رشد جمعیت ۳ درصدی در افغانستان، رشد آهسته اقتصادی و وخیم تر شدن اوضاع امنیتی باعث بالارفتن میزان فقر از ۳۵,۸٪ در سال ۱۳۹۰ به ۳۹,۱٪ در سال ۱۳۹۲ گردیده است، بالا رفتن میزان فقر هم چنان نمایانگر فرصت‌های کاری محدود در کشور است، بنابراین گزارش بانک جهانی، نرخ بیکاری میان سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۲ چند برابر افزایش را نشان می‌دهد و به میزان ۲۲,۶٪ نیروی کار رسیده. افزایش فقر، باعث کاهش فرصت‌های شغلی گردیده است. (بانک جهانی، گزارش اقتصادی افغانستان آپریل ۲۰۱۶).

از طرف دیگر وخامت اوضاع سیاسی و امنیتی، طوری که در سال ۲۰۱۵ تعداد تلفات افراد غیر نظامیان به میزان بی سابقه افزایش یافته اند، نبود امنیت در جامعه، منجر به افزایش مهاجرت به بیرون از کشور گردیده است، بنابراین گزارش سازمان ملل متحد در افغانستان، در سال ۲۰۱۵ تعداد پناهنجویان افغانستانی که برای اولین بار در ۲۸ کشور عضو اتحادیه اروپا درخواست پناهندگی کردند بیش از چهار برابر بالا رفته است، به طوری که در حال حاضر مهاجرین افغانستان دومین جمعیت بزرگ پناهنجویان در اروپا را پس از سوریه تشکیل می‌دهند. با این حال پاکستان و ایران هم چنان کشورهای میزبان اکثر پناهندگان افغانستانی هستند.



منبع: مأموریت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (UNAMA)

رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۵

بر اساس آمار رسمی محاسبات ملی که در ماه ثور ۱۳۹۵ به نشر رسیده، رشد اقتصادی از ۱,۳٪ در سال مالی ۱۳۹۳ (۲۰۱۴) به ۰,۸٪ درصد در سال ۱۳۹۴ (۲۰۱۵) کاهش یافته است. این رقم به مراتب کمتر از متوسط رشد سالانه ۹,۴٪ در جریان سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۸۲ میباشد. کاهش قابل ملاحظه رشد اقتصادی از سال ۱۳۹۱ به این طرف، بیانگر تاثیر کاهش کمک‌های بین‌المللی در شرایط روز افزون ناامنی و فضای نامعلومی سیاسی می‌باشد. درحالی‌که کمک‌های مالی شامل بودجه از حدود ۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۱ به نزدیک ۳ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۴ افزایش یافته است، بخش کمک‌های که خارج از بودجه به مصرف می‌رسند کاهش داشته است. مجموع کمک‌های بلاعوض، بشمول کمک‌های نظامی و ملکی و کمک‌های شامل بودجه و خارج بودجه، از اوسط تخمینی ۱۲,۵ میلیارد دلار میان سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۰۹ به حدود ۸,۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۵ افت نموده است. (بانک جهانی، گزارش اقتصادی افغانستان اکتوبر ۲۰۱۶)^۹.

^۹ <http://www.worldbank.org/fa>

بازدهی کشاورزی، به ویژه در غلات مواجه بود. بخش عمده این کاهش مربوط به آب و هوای بد کشور بود که تولیدات کشاورزی را محدود کرد.

آمارهای تجاری سال ۲۰۱۶ افغانستان نیز ادامه روند قبلی است. واردات این کشور از سال ۲۰۱۴ به واسطه رکود فعالیت‌های اقتصادی و کاهش کمک‌های خارجی روند کاهشی داشته است. رقم واردات برای نیمه نخست سال ۲۰۱۶ که معادل ۳/۳ میلیارد دلار بوده، کمترین میزان از سال ۲۰۱۳ محسوب می‌شود. از سوی دیگر، صادرات افغانستان کمی افزایش داشته و در نیمه نخست سال گذشته ۲۴۷ میلیون دلار بوده که افزایشی ۱۰٪ را نسبت به مدت مشابه در سال ۲۰۱۵ نشان می‌دهد. این افزایش حاکی از برداشت خوب میوه در سال ۲۰۱۶ بوده است.

به‌هرحال افغانستان در سال گذشته دستاوردهای خوبی در زمینه همکاری منطقه و توسعه زیرساخت‌ها داشته است. در ماه مه، این کشور به همراه هند و ایران توافق نامه بندر چابهار را امضا کردند. هم‌چنین ورود اولین قطار باری به این کشور از چین با عبور از قزاقستان و ازبکستان در ماه نوامبر، از اقدامات مثبت افغانستان بوده است.

رشد اقتصادی ۱۳۹۶ (۲۰۱۷م)

بانک جهانی در گزارش خود پیش‌بینی کرده که میزان رشد اقتصاد افغانستان تا آخر سال ۲۰۱۷ میلادی به ۲٫۶٪ خواهد رسید. اما در عین حال با خروج نیروهای بین‌المللی از افغانستان در جریان سال ۲۰۱۴، هنوز هم اعتماد سرمایه‌گذاران و مصرف‌کنندگان نسبت به بهبود وضعیت برای فعالیت‌های اقتصادی افغانستان برآورده نشده است.

در سال ۱۳۹۶ ارزش تولید ناخالص داخلی به اضافه کوکنار بالغ بر ۱۴۶۳۶۳۳۳ میلیون افغانی (۲۱٫۴ میلیارد دلار) گردیده و تولید ناخالص داخلی سرانه به ۴۹۲۸۱ افغانی معادل (۷۱۹ دلار) رسیده است. ارزش تولید ناخالص داخلی بدون کوکنار ۱۳۸۴۹۰۵ میلیون افغانی (۲۰٫۲ میلیارد دلار) بوده و تولید ناخالص داخلی سرانه حدود ۴۶۶۳۰ افغانی (۶۸۱ دلار) بوده است.

دلیل عمده کاهش ارزش افزوده به دلار در سال ۱۳۹۶ افزایش نرخ تبادل در مقابل افغانی از ۶۷٫۴ در سال ۱۳۹۵ به ۶۸٫۵ افغانی در سال ۱۳۹۶ می‌باشد.

رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی به شمول کوکنار در سال ۱۳۹۶ به ۷٫۲٪ بوده که دلیل عمده آن افزایش ۸۷٫۵٪ در تولید کوکنار در سال قبل می‌باشد. درحالی‌که تولید ناخالص داخلی حقیقی بدون کوکنار به اندازه ۲٫۹٪ افزایش را نشان می‌دهد. (سالنامه احصائیوی ۱۳۹۶)

در گزارش بانک جهانی آمده که سال گذشته میزان رشد اقتصادی این کشور به ۲٫۲٪ رسیده بود. و این رشد در سال ۲۰۱۸ نیز ادامه خواهد داشت. در این گزارش از روند رشد کشاورزی ابراز نگرانی شده است، زیرا به گفته بانک جهانی میزان رشد کشاورزی در سال ۲۰۱۷ میلادی به ۱٫۵ درصد پیش‌بینی شده است در

حالی که در سال ۲۰۱۶، میزان رشد کشاورزی در افغانستان به ۶ درصد رسیده بود. در گزارش بانک جهانی آمده است: فرض بر این که اوضاع امنیتی در مقایسه با شرایط فعلی بدتر نشود، پیش‌بینی می‌شود که میزان رشد اقتصادی افغانستان در سال ۲۰۱۸ میلادی به ۳٫۲ درصد افزایش یابد. گرچه این رقم نشان‌دهنده رشد بالاتر نسبت به سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ است، باز هم در مقایسه با میزان اوسط رشد اقتصادی ۹٫۶ درصدی میان سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۱۳ به مراتب کمتر است. کاهش هم‌زمان تقاضای داخلی و تضعیف اعتماد سرمایه‌گذاران، تشدید ناامنی‌ها و ابهام نسبت به آینده سیاسی افغانستان پس از سال ۲۰۱۴ از سوی دیگر، به پایین آمدن سطح رشد اقتصادی انجامیده است. در این گزارش، رشد اقتصادی افغانستان در سال ۲۰۲۰ به ۳٫۶٪ گزارش شده، اما رسیدن به این هدف به بهبود شرایط امنیتی و ثبات سیاسی ارتباط دارد.^{۱۰}

بنابراین اگر پیشرفت‌های حاصله به منظور تامین امنیت و تحکیم ثبات گسترش یابند و روند اصلاحات طولانی مدت و جریان کمک‌های مالی بین‌المللی حداقل در وضعیت کنونی پایدار باقی بماند، توقع می‌رود که میزان رشد اقتصادی نیز به طور متعادل افزایش یابد. انتظار می‌رود که رشد اقتصادی در ۲ تا ۳ سال آینده با اتخاذ یک سلسله تدابیر مشخص در عرصه مدیریت مالی و اصلاحات سیاست افزایش یابد. از جمله می‌توان بهبود بخشیدن اجرای بودجه و تخصیص بیشتر منابع برای مصارف بودجه‌ای که نیازمند نیروی کاری بیشتر بوده و بر برنامه‌های محلی که به افراد نیازمند جامعه می‌رسند را برشمرد.

نتیجه‌گیری:

میزان تولید ناخالص داخلی و نرخ رشد آن از مهمترین شاخص‌های عملکردی اقتصاد کلان است و دستیابی به نرخ رشد اقتصادی بالا یکی از اهداف مهم هر نظام اقتصادی به شمار می‌رود. زیرا که این شاخص اندازه اقتصاد یک کشور و ظرفیت‌های تولیدی آن را نشان می‌دهد.

روند تولید ناخالص داخلی و تولید ناخالص داخلی سرانه افغانستان طی هفت سال گذشته از سال ۱۳۸۹ تا سال ۱۳۹۶ در نمودارهای قبلی نشان داده شده است. تولید ناخالص داخلی افغانستان در این دوره تاریخی افت و خیزهای زیادی را تجربه کرده است. اما در عین حال امیدواری به اقتصاد افغانستان و رشد تولید ناخالص داخلی در این مدت مثبت ارزیابی می‌شود.

^{۱۰} . <https://www.donya-e-eqtasad.com/fa/tiny/news-۳۳۱۸۳۶۱>

فهرست منابع:

۱. منکیو، گریگوری اقتصاد کلان، ترجمه حمیدرضا ارباب، انتشارات نی، چاپ اول ۱۳۹۱ش.
۲. متوسلی، محمود توسعه اقتصادی، انتشارات سمت، چاپ دوم ۱۳۸۴ش.
۳. تفضلی، فریدون، اقتصاد کلان (نظریه ها و سیاستهای اقتصادی)، نشر نی، چاپ هفدهم، ۱۳۸۶ش.
۴. طیبیان، محمد، اقتصاد کلان، انتشارات بازتاب، چاپ پنجم ۱۳۸۴ش.
۵. گزارش سالانه استراتژی انکشاف ملی افغانستان ۱۳۸۹
۶. گزارش سالانه آمار افغانستان در ۱۳۹۰
۷. گزارش سالانه آمار افغانستان در سال ۱۳۹۱
۸. گزارش سالانه آمار افغانستان در سال ۱۳۹۲
۹. گزارش سالانه آمار افغانستان در سال ۱۳۹۳
۱۰. سالنامه احصائیوی ۱۳۹۴
۱۱. سالنامه احصائیوی ۱۳۹۵
۱۲. سالنامه احصائیوی ۱۳۹۶

سایت:

۱۳. <http://www.payam-aftab.com/fa/doc/news/9117>
۱۴. <http://www.payam-aftab.com/fa/doc/news/9117>
۱۵. <http://www.gtai.de/DE/Content/SharedDocs/Links-Einzeldokumente>
۱۶. [Datenbanken/fachdokument.htmlfIdent=MKT201102048006](http://www.gtaidatenbanken/fachdokument.htmlfIdent=MKT201102048006)
۱۷. آپریل ۲۰۱۶ <http://www.worldbank.org/fa>
۱۸. اکتوبر ۲۰۱۶ <http://www.worldbank.org/fa>
۱۹. <https://www.donya-e-eqtasad.com/fa/tiny/news-3318361>
۲۰. Afghanistan Statistical Yearbook 2015-2016